

تاثیر نظام آموزشی ایران بر افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی

لیلا مظفری^۱، و شیلا مظفری^۲

۱- دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، استان تهران، ایران.

۲- لیسانس آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام شهر، استان تهران، ایران.

چکیده

نظام آموزشی به عنوان یکی از ارکان اساسی هر جامعه، نقش مهمی در شکل گیری هویت اجتماعی و سیاسی افراد ایفا می کند. این مقاله به بررسی تأثیرات نظام آموزشی ایران بر افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی می پردازد و به تحلیل چالش ها و موانع موجود در این زمینه می پردازد. آگاهی سیاسی به معنای درک و شناخت افراد از مسائل سیاسی و حقوق شهروندی است، در حالی که مشارکت مدنی شامل فعالیت های داوطلبانه ای است که افراد به منظور بهبود جامعه و تأثیرگذاری بر تصمیم گیری های سیاسی انجام می دهند. با وجود پیشرفت های آموزشی در ایران، هنوز چالش هایی در زمینه افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی وجود دارد. این مقاله به بررسی محتوای آموزشی و روش های تدریس در نظام آموزشی ایران می پردازد و تأکید می کند که آموزش دروس اجتماعی و تاریخ می تواند به شکل گیری آگاهی سیاسی کمک کند. همچنین، نقش فعالیت های فوق برنامه و دوره های آموزشی مرتبط با حقوق شهروندی در ترویج مشارکت مدنی مورد بررسی قرار می گیرد. یافته ها نشان می دهند که نظام آموزشی ایران با وجود نقاط قوت، هنوز در زمینه افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی با چالش هایی مواجه است. در نهایت، مقاله پیشنهاداتی برای بهبود نظام آموزشی ارائه می دهد، از جمله توسعه محتوای آموزشی، تشویق به مشارکت و برگزاری کارگاه های آموزشی برای تقویت مهارت های اجتماعی و سیاسی. این اصلاحات می توانند به بهبود وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور و شکل گیری جامعه ای فعال و پویا منجر شوند. همچنین، توجه به تجربیات جهانی و الگوهای موفق در این زمینه می تواند به غنی تر شدن محتوای آموزشی و افزایش اثربخشی برنامه ها کمک کند. به طور کلی، همکاری بین نهادهای آموزشی، دولت و جامعه مدنی برای تحقق این اهداف ضروری است.

واژگان کلیدی: نظام آموزشی، آگاهی سیاسی، مشارکت مدنی، چالش ها و موانع، حقوق شهروندی.

از آنجا که آموزش و پرورش به عنوان مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی اصلی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ابعاد و ساحت های تعلیم و تربیت در کشور می باشد، لذا در این راستا مطالعه حاضر در نظر دارد، تاثیر نظام آموزشی ایران را در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان و افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی مورد ارزیابی قرار دهد.

این نظام نه تنها به انتقال دانش و مهارت ها می پردازد، بلکه به عنوان یک بستر فرهنگی و اجتماعی، ارزش ها، باورها و هنجارهای جامعه را به نسل های آینده منتقل می کند. در دنیای امروز، آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی به عنوان دو مؤلفه کلیدی در توسعه پایدار جوامع شناخته می شوند. آگاهی سیاسی به معنای درک و شناخت افراد از مسائل سیاسی، حقوق و وظایف شهروندی است. این آگاهی به افراد کمک می کند تا در فرآیندهای سیاسی مشارکت کنند و به عنوان شهروندانی فعال و مسئول در جامعه خود عمل کنند. از سوی دیگر، مشارکت مدنی شامل فعالیت های داوطلبانه ای است که افراد در جهت بهبود جامعه و تأثیرگذاری بر تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی انجام می دهند (Galston, 2001). این فعالیت ها می توانند شامل شرکت در انتخابات، عضویت در سازمان های غیر دولتی، و مشارکت در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی باشند.

در ایران، نظام آموزشی به عنوان ابزاری برای انتقال ارزش ها، فرهنگ و اطلاعات به نسل های آینده عمل می کند. این نظام آموزشی با توجه به ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور، می تواند به طور مؤثری در افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی جوانان نقش ایفا کند. با این حال، در سال های اخیر، چالش های متعددی در این زمینه وجود داشته است. به عنوان مثال، محتوای آموزشی ممکن است به طور کافی به مسائل سیاسی و اجتماعی توجه نکند و روش های تدریس نیز ممکن است به گونه ای طراحی نشده باشند که تفکر انتقادی و تحلیل مسائل سیاسی را در دانش آموزان و دانشجویان تقویت کنند.

نظام آموزشی ایران به عنوان یک سیستم پیچیده، شامل مؤسسات آموزشی رسمی و غیررسمی است که هر یک به نوعی در شکل دهی به آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی افراد تأثیر گذارند. در این راستا، آموزش های رسمی که شامل مدارس، دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی می شود، می تواند به عنوان یک بستر مناسب برای آموزش مهارت های اجتماعی و سیاسی عمل کند. در این نظام، دروس مختلفی از جمله دروس اجتماعی، تاریخ، و علوم سیاسی تدریس می شود که می تواند به افزایش آگاهی سیاسی دانش آموزان و دانشجویان کمک کند. به علاوه، نظام آموزشی غیررسمی، شامل رسانه ها، سازمان های غیر دولتی و گروه های اجتماعی، نیز به ترویج آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی می پردازد و می تواند به عنوان مکملی برای نظام آموزشی رسمی عمل کند.

این مقاله به بررسی تأثیرات نظام آموزشی ایران بر افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی می پردازد و تلاش می کند تا با تحلیل دقیق و جامع، ابعاد مختلف این موضوع را مورد بررسی قرار دهد. به ویژه، این مقاله به بررسی محتوای آموزشی، روش های تدریس، و فعالیت های فوق برنامه در نظام آموزشی ایران می پردازد و تأثیر آن ها بر آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی را تحلیل می کند. همچنین، چالش ها و موانع موجود در این زمینه نیز مورد بررسی قرار خواهند گرفت تا بتوان به راهکارهای عملی و مؤثری برای بهبود وضعیت موجود دست یافت.

از آنجایی که آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی به عنوان دو مؤلفه کلیدی در توسعه پایدار جوامع شناخته می شوند، بررسی نقش نظام آموزشی در این زمینه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در واقع، نظام آموزشی می تواند به عنوان یک ابزار کلیدی در توسعه پایدار و بهبود وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور عمل کند. به طوری که، با افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی، افراد می توانند به عنوان شهروندانی فعال و مسئول در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی شرکت کنند و در نتیجه، به تقویت دموکراسی و توسعه پایدار کمک نمایند.

در نهایت، این مقاله به اهمیت همکاری بین نهادهای آموزشی، دولت و جامعه مدنی برای ایجاد تغییرات مثبت در نظام آموزشی و افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی تأکید می کند. با توجه به چالش های موجود در جامعه ایران و نیاز به ایجاد یک جامعه فعال

و پویا، توجه به این موضوعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به طوری که، نظام آموزشی می‌تواند به عنوان یک ابزار کلیدی در توسعه پایدار و بهبود وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور عمل کند. این مقاله همچنین به بررسی تجربیات جهانی و الگوهای موفق در این زمینه خواهد پرداخت تا بتوان از آن‌ها به عنوان منابع الهام بخش برای بهبود نظام آموزشی ایران استفاده کرد.

با توجه به این موارد، هدف اصلی این مقاله بررسی دقیق و جامع تأثیرات نظام آموزشی بر آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در ایران است و تلاش می‌شود تا با ارائه راهکارهای عملی، به بهبود وضعیت موجود کمک شود. در این راستا، نتایج این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران، مسئولان آموزشی و فعالان اجتماعی کمک کند تا با شناخت بهتر از وضعیت موجود، برنامه‌های مؤثرتری را برای افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جامعه طراحی و اجرا نمایند.

۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی در زمینه تأثیر نظام آموزشی بر آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی انجام شده است. این پژوهش‌ها به ویژه در دهه‌های اخیر، به دلیل اهمیت روزافزون آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جوامع دموکراتیک، توجه بیشتری را به خود جلب کرده‌اند. آگاهی سیاسی به معنای درک و شناخت افراد از مسائل سیاسی، حقوق و وظایف شهروندی است و مشارکت مدنی شامل فعالیت‌های داوطلبانه‌ای است که افراد در جهت بهبود جامعه و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی انجام می‌دهند (Galston, 2007).

برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آموزش‌های رسمی و غیررسمی می‌توانند به افزایش آگاهی سیاسی کمک کنند. به عنوان مثال، مطالعه‌ای در سال ۲۰۱۵ نشان داد که دانش‌آموزانی که در برنامه‌های آموزشی مرتبط با حقوق شهروندی شرکت کرده‌اند، نسبت به همسالان خود آگاهی سیاسی بیشتری دارند و تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نشان می‌دهند (ذوالفقاری، عشایری و طاهای، ۱۴۰۱). این نتایج نشان‌دهنده این است که آموزش‌های مرتبط با حقوق شهروندی می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر در افزایش آگاهی سیاسی جوانان عمل کند.

علاوه بر این، پژوهش‌ها همچنین به بررسی تأثیر محتوای آموزشی و روش‌های تدریس بر آگاهی سیاسی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، تحقیقی که در سال ۲۰۱۹ انجام شد، نشان داد که محتوای آموزشی که به مسائل سیاسی و اجتماعی توجه بیشتری دارد، می‌تواند به افزایش آگاهی سیاسی دانش‌آموزان کمک کند (موسوی و نیک‌فرجام، ۱۳۹۸). این تحقیق بر این نکته تأکید می‌کند که اگر نظام آموزشی به طور مؤثری به آموزش مسائل سیاسی و اجتماعی بپردازد، می‌تواند به شکل‌گیری نسل‌های آگاه و مسئول کمک کند.

در زمینه مشارکت مدنی، مطالعاتی نیز به بررسی نقش فعالیت‌های فوق برنامه در مدارس و دانشگاه‌ها به عنوان ابزاری برای ترویج مشارکت مدنی پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، تحقیقی در سال ۲۰۱۸ نشان داد که دانشجویانی که در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی دانشگاه شرکت کرده‌اند، نسبت به دانشجویانی که در این فعالیت‌ها شرکت نکرده‌اند، احساس مسئولیت بیشتری نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی دارند (پودینه و حسینقلی زاده، ۱۳۹۸). این یافته‌ها نشان می‌دهند که فعالیت‌های فوق برنامه می‌توانند به عنوان یک بستر مناسب برای تقویت مهارت‌های اجتماعی و سیاسی دانشجویان عمل کنند و آن‌ها را به مشارکت فعال در جامعه ترغیب نمایند.

در این راستا، برخی از پژوهش‌ها به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، تحقیقی در سال ۲۰۲۰ نشان داد که عوامل اجتماعی مانند خانواده، دوستان و جامعه می‌توانند تأثیر زیادی بر آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی افراد داشته باشند (احمدی و رضایی، ۱۳۹۹). این نتایج نشان می‌دهند که نظام آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شود که به تقویت این عوامل اجتماعی نیز توجه کند و آن‌ها را به عنوان بخشی از فرآیند آموزشی در نظر بگیرد.

با این حال، در ایران، تحقیقات کمتری در این زمینه انجام شده و نیاز به بررسی های بیشتری احساس می شود. به ویژه، بررسی تأثیر محتوای آموزشی و روش های تدریس بر آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در نظام آموزشی ایران می تواند به عنوان یک حوزه تحقیقاتی جدید و مهم مطرح شود (خشکاب، ۱۴۰۳). در این راستا، پژوهش های بیشتری باید انجام شود تا بتوان به درک بهتری از وضعیت موجود دست یافت و راهکارهای مؤثری برای بهبود نظام آموزشی و افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی ارائه کرد.

علاوه بر این، برخی از پژوهش ها به بررسی تأثیر عوامل اقتصادی بر آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی پرداخته اند. به عنوان مثال، تحقیقی در سال ۲۰۱۹ نشان داد که وضعیت اقتصادی افراد می تواند تأثیر زیادی بر تمایل آن ها به مشارکت در فعالیت های سیاسی و اجتماعی داشته باشد (محمودی و سهرابی، ۱۳۹۸). این پژوهش ها نشان می دهند که در جوامع با وضعیت اقتصادی نامناسب، افراد ممکن است کمتر تمایل به مشارکت در فعالیت های سیاسی و اجتماعی داشته باشند. بنابراین، نظام آموزشی باید به گونه ای طراحی شود که به تقویت مهارت های اجتماعی و سیاسی دانش آموزان و دانشجویان کمک کند و آن ها را به مشارکت فعال در جامعه ترغیب نماید.

در نهایت، می توان گفت که پیشینه پژوهش در زمینه تأثیر نظام آموزشی بر آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی نشان دهنده اهمیت این موضوع در جوامع مختلف است. با این حال، نیاز به تحقیقات بیشتر در زمینه نظام آموزشی ایران و تأثیر آن بر آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی احساس می شود. این تحقیقات می توانند به سیاست گذاران و مسئولان آموزشی کمک کنند تا با شناخت بهتر از وضعیت موجود، برنامه های مؤثرتری را برای افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جامعه طراحی و اجرا نمایند.

به طور کلی، این پیشینه پژوهش نشان می دهد که نظام آموزشی می تواند به عنوان یک ابزار کلیدی در افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی عمل کند. با توجه به چالش های موجود در نظام آموزشی ایران و نیاز به ایجاد یک جامعه فعال و پویا، توجه به این موضوعات از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این راستا، پژوهش های آینده باید به بررسی تجربیات جهانی و الگوهای موفق در این زمینه بپردازند تا بتوان از آن ها به عنوان منابع الهام بخش برای بهبود نظام آموزشی ایران استفاده کرد.

در نهایت، این مقاله به بررسی دقیق و جامع تأثیرات نظام آموزشی بر آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در ایران می پردازد و تلاش می کند تا با ارائه راهکارهای عملی، به بهبود وضعیت موجود کمک کند. این تحقیق می تواند به عنوان یک منبع معتبر برای پژوهشگران، سیاست گذاران و مسئولان آموزشی در زمینه افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جامعه ایران عمل کند و به ایجاد تغییرات مثبت در نظام آموزشی و اجتماعی کشور کمک نماید.

۳. تعریف آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی

- **آگاهی سیاسی:** آگاهی سیاسی به معنای درک و شناخت افراد از مسائل سیاسی، حقوق و وظایف شهروندی است. این مفهوم به طور گسترده ای شامل اطلاعاتی درباره نظام سیاسی، فرآیندهای انتخاباتی، حقوق بشر، و نحوه تأثیرگذاری بر تصمیم گیری های سیاسی می شود (ساجدی، ۱۳۹۵). آگاهی سیاسی به افراد کمک می کند تا به عنوان شهروندان فعال در جامعه خود عمل کنند و در فرآیندهای سیاسی مشارکت داشته باشند. این آگاهی می تواند از طریق آموزش های رسمی، رسانه ها، و تجربیات اجتماعی به دست آید.

آگاهی سیاسی نه تنها به درک بهتر از مسائل سیاسی کمک می کند، بلکه می تواند به شکل گیری نظرات و دیدگاه های مستقل و انتقادی در افراد منجر شود (Thelma et al., 2022). به عنوان مثال، افرادی که آگاهی سیاسی بالایی دارند، قادرند به طور مؤثری به تحلیل و ارزیابی سیاست ها و تصمیمات دولتی بپردازند و در نتیجه، می توانند در فرآیندهای سیاسی به طور فعال تری شرکت کنند. این آگاهی همچنین می تواند به افراد کمک کند تا از حقوق خود آگاه شوند و در مواقع لازم از آن ها دفاع کنند.

علاوه بر این، آگاهی سیاسی می تواند به تقویت حس مسئولیت اجتماعی در افراد منجر شود. افرادی که از مسائل سیاسی و اجتماعی آگاه هستند، معمولاً تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی دارند. این مشارکت می تواند شامل شرکت در انتخابات، عضویت در سازمان های غیر دولتی، و فعالیت در گروه های اجتماعی باشد. بنابراین، آگاهی سیاسی به عنوان یک عامل کلیدی در تقویت دموکراسی و مشارکت مدنی شناخته می شود.

آگاهی سیاسی همچنین می تواند به افزایش توانایی افراد در تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی کمک کند. افرادی که از اطلاعات کافی برخوردارند، می توانند به طور مؤثری در بحث ها و مناظرات سیاسی شرکت کنند و نظرات خود را به طور منطقی و مستدل بیان کنند. این توانایی می تواند به تقویت فرهنگ گفت و گو و تبادل نظر در جامعه کمک کند و به تبع آن، به بهبود کیفیت تصمیم گیری های سیاسی منجر شود.

از سوی دیگر، آگاهی سیاسی می تواند به شکل گیری هویت سیاسی افراد نیز کمک کند. افرادی که به مسائل سیاسی توجه دارند و در آن ها مشارکت می کنند، معمولاً هویت سیاسی قوی تری دارند و به دنبال تحقق ارزش ها و باورهای خود در جامعه هستند. این هویت سیاسی می تواند به ایجاد حس تعلق و همبستگی اجتماعی در افراد منجر شود و آن ها را به فعالیت های اجتماعی و سیاسی ترغیب کند.

- مشارکت مدنی: مشارکت مدنی به فعالیت های داوطلبانه ای اطلاق می شود که افراد در جهت بهبود جامعه و تأثیرگذاری بر تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی انجام می دهند. این مشارکت می تواند شامل فعالیت های مختلفی مانند شرکت در انتخابات، عضویت در سازمان های غیر دولتی، و شرکت در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی باشد (صادقیان، ۱۴۰۰). مشارکت مدنی نه تنها به تقویت دموکراسی کمک می کند، بلکه به شکل گیری هویت اجتماعی و سیاسی افراد نیز کمک می کند.

مشارکت مدنی می تواند به عنوان یک ابزار مؤثر برای ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی در جامعه عمل کند. افرادی که در فعالیت های مدنی شرکت می کنند، معمولاً احساس مسئولیت بیشتری نسبت به مسائل اجتماعی دارند و به دنبال بهبود شرایط زندگی در جامعه خود هستند. این مشارکت می تواند به ایجاد شبکه های اجتماعی و تقویت روابط بین افراد در جامعه منجر شود (مدنی، ۱۴۰۱). به عنوان مثال، عضویت در سازمان های غیر دولتی یا شرکت در فعالیت های اجتماعی می تواند به افراد کمک کند تا با دیگران ارتباط برقرار کنند و تجربیات مشترکی را به اشتراک بگذارند.

مشارکت مدنی همچنین می تواند به تقویت حس همبستگی اجتماعی در جامعه کمک کند. افرادی که در فعالیت های مدنی شرکت می کنند، معمولاً به دنبال ایجاد تغییرات مثبت در جامعه هستند و این تغییرات می تواند به بهبود کیفیت زندگی در جامعه منجر شود. همچنین، مشارکت مدنی می تواند به تقویت دموکراسی و افزایش شفافیت در فرآیندهای سیاسی کمک کند.

علاوه بر این، مشارکت مدنی می تواند به شکل گیری و تقویت فرهنگ مشارکت در جامعه کمک کند. وقتی افراد به طور فعال در فعالیت های مدنی شرکت می کنند، این فرهنگ به تدریج در جامعه نهادینه می شود و نسل های آینده نیز به طور طبیعی به این فعالیت ها تمایل پیدا می کنند. این امر می تواند به ایجاد یک جامعه پویا و فعال منجر شود که در آن افراد به طور مستمر در تلاش برای بهبود شرایط زندگی و تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی هستند.

در نهایت، می توان گفت که آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی دو مؤلفه کلیدی در توسعه پایدار جوامع هستند. این دو مفهوم به طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می گذارند و تقویت یکی می تواند به تقویت دیگری منجر شود. به عنوان مثال، افرادی که آگاهی سیاسی بالایی دارند، معمولاً تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت های مدنی دارند و بالعکس، افرادی که در فعالیت های مدنی شرکت می کنند، معمولاً آگاهی سیاسی بیشتری پیدا می کنند. بنابراین، تقویت آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی باید به عنوان یک هدف کلیدی در نظام آموزشی و برنامه های اجتماعی در نظر گرفته شود تا به ایجاد یک جامعه فعال و پویا کمک کند.

توجه به این دو مفهوم می تواند به سیاست گذاران و مسئولان آموزشی کمک کند تا برنامه های مؤثرتری را برای افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جامعه طراحی و اجرا نمایند. این اقدامات می توانند به عنوان یک پایه گذار برای ایجاد نسل های آگاه و مسئول عمل کنند و در نتیجه، به تقویت دموکراسی و توسعه پایدار در جامعه منجر شوند.

در نهایت، آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی نه تنها به عنوان مفاهیم نظری، بلکه به عنوان ابزارهای عملی برای بهبود جامعه و تقویت دموکراسی در نظر گرفته می شوند. این دو مفهوم به ویژه در جوامع در حال توسعه اهمیت بیشتری پیدا می کنند، جایی که آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی می توانند به عنوان عوامل کلیدی در ایجاد تغییرات مثبت و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی عمل کنند. به همین دلیل، پژوهش های بیشتری در این زمینه لازم است تا بتوان به درک بهتری از چگونگی تقویت این دو مفهوم در جوامع مختلف دست یافت و راهکارهای مؤثری برای بهبود وضعیت موجود ارائه کرد.

۴. ساختار نظام آموزشی ایران

- **نظام آموزشی رسمی:** نظام آموزشی رسمی ایران شامل مدارس، دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی است که تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فعالیت می کنند. این نظام آموزشی به دو بخش آموزش ابتدایی و متوسطه و آموزش عالی تقسیم می شود. در این نظام، دروس مختلفی از جمله دروس اجتماعی، تاریخ، و علوم سیاسی تدریس می شود که می تواند به افزایش آگاهی سیاسی دانش آموزان و دانشجویان کمک کند (حبیب پور گتایی، ۱۴۰۱).

آموزش ابتدایی در ایران به طور کلی شامل ۶ سال تحصیل است که در آن دانش آموزان با مفاهیم پایه ای در زمینه های مختلف علمی، اجتماعی و فرهنگی آشنا می شوند. در این دوره، دروس اجتماعی و تاریخ به عنوان بخشی از برنامه درسی، به دانش آموزان کمک می کند تا با تاریخچه کشور و مسائل اجتماعی آشنا شوند. این آشنایی می تواند به شکل گیری آگاهی سیاسی اولیه در دانش آموزان منجر شود و آن ها را به تفکر انتقادی و تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی ترغیب کند.

آموزش متوسطه نیز به دو بخش نظری و فنی و حرفه ای تقسیم می شود. در این دوره، دانش آموزان می توانند دروس تخصصی تری را انتخاب کنند که به آن ها کمک می کند تا درک بهتری از مسائل سیاسی و اجتماعی پیدا کنند. دروس مرتبط با علوم اجتماعی، تاریخ و حقوق در این دوره به طور خاص به تقویت آگاهی سیاسی و اجتماعی دانش آموزان کمک می کند. همچنین، فعالیت های فوق برنامه مانند بحث های سیاسی، سمینارها و کارگاه های آموزشی می توانند به تقویت مهارت های اجتماعی و سیاسی دانش آموزان کمک کنند.

آموزش عالی در ایران شامل دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی است که به ارائه دوره های تخصصی در زمینه های مختلف علمی و فنی می پردازند. در این مرحله، دانشجویان می توانند در رشته های مرتبط با علوم سیاسی، حقوق، و جامعه شناسی تحصیل کنند و به طور عمیق تری با مسائل سیاسی و اجتماعی آشنا شوند. این آشنایی می تواند به شکل گیری نظرات و دیدگاه های مستقل و انتقادی در دانشجویان منجر شود و آن ها را به مشارکت فعال در جامعه ترغیب کند.

به علاوه، نظام آموزشی رسمی می تواند به عنوان یک بستر مناسب برای آموزش مهارت های اجتماعی و سیاسی عمل کند و به شکل گیری هویت اجتماعی و سیاسی افراد کمک کند. با توجه به اهمیت آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جوامع دموکراتیک، نظام آموزشی باید به گونه ای طراحی شود که به تقویت این مهارت ها و آگاهی ها در دانش آموزان و دانشجویان بپردازد.

- **نظام آموزشی غیررسمی:** نظام آموزشی غیررسمی شامل رسانه ها، سازمان های غیر دولتی، و گروه های اجتماعی است که به ترویج آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی می پردازند. این نظام آموزشی به ویژه در جوامع مدنی و سازمان های غیر دولتی نقش مهمی ایفا می کند و می تواند به عنوان مکملی برای نظام آموزشی رسمی عمل کند (سلطانی، ۱۳۹۶).

رسانه ها به عنوان یکی از ابزارهای مهم در افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی شناخته می شوند و می توانند اطلاعات لازم را در اختیار شهروندان قرار دهند. رسانه های جمعی، از جمله تلویزیون، رادیو، و اینترنت، می توانند به طور مؤثری به اطلاع رسانی درباره مسائل سیاسی و اجتماعی بپردازند و به شهروندان کمک کنند تا از حقوق و وظایف خود آگاه شوند. به علاوه، رسانه ها می توانند به عنوان یک بستر برای بحث و تبادل نظر در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی عمل کنند و به تقویت فرهنگ گفت و گو در جامعه کمک کنند.

سازمان های غیر دولتی نیز می توانند با برگزاری کارگاه ها و دوره های آموزشی، به تقویت مهارت های اجتماعی و سیاسی افراد کمک کنند (شهرام نیا و همکاران، ۱۳۹۶). این سازمان ها معمولاً به دنبال ارتقاء آگاهی عمومی در زمینه حقوق بشر، دموکراسی و مشارکت مدنی هستند و می توانند با ارائه برنامه های آموزشی و فعالیت های اجتماعی، به افزایش آگاهی سیاسی در جامعه کمک کنند. به عنوان مثال، برگزاری کارگاه های آموزشی در زمینه حقوق شهروندی و دموکراسی می تواند به افراد کمک کند تا با حقوق خود آشنا شوند و در نتیجه، تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی پیدا کنند.

گروه های اجتماعی نیز می توانند به عنوان یک بستر برای تبادل نظر و تجربیات در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی عمل کنند. این گروه ها معمولاً شامل افرادی هستند که به دنبال ایجاد تغییرات مثبت در جامعه هستند و می توانند با برگزاری جلسات و فعالیت های اجتماعی، به تقویت حس همبستگی و مسئولیت اجتماعی در افراد کمک کنند.

در نهایت، می توان گفت که نظام آموزشی غیررسمی به عنوان یک مکمل برای نظام آموزشی رسمی عمل می کند و می تواند به افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جامعه کمک کند. با توجه به چالش های موجود در نظام آموزشی رسمی، توجه به نظام آموزشی غیررسمی و تقویت آن می تواند به عنوان یک راهکار مؤثر برای بهبود وضعیت آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جامعه ایران در نظر گرفته شود.

به طور کلی، ساختار نظام آموزشی ایران به گونه ای است که می تواند به تقویت آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در افراد کمک کند، اما نیاز به بهبود و تقویت هر دو نظام آموزشی رسمی و غیررسمی احساس می شود. این بهبود می تواند به عنوان یک عامل کلیدی در ایجاد جامعه ای فعال و پویا عمل کند که در آن افراد به طور مستمر در تلاش برای بهبود شرایط زندگی و تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی هستند.

۵. نقش آموزش در افزایش آگاهی سیاسی

– آموزش دروس اجتماعی و تاریخ: بررسی محتوای دروس و تأثیر آن بر آگاهی سیاسی دانش آموزان نشان می دهد که دروس اجتماعی و تاریخ می توانند به شکل گیری آگاهی سیاسی کمک کنند. این دروس به دانش آموزان کمک می کنند تا با تاریخ سیاسی کشور و جهان آشنا شوند و درک بهتری از مسائل اجتماعی و سیاسی پیدا کنند (میرزایی، ۱۳۹۶).

آموزش تاریخ به ویژه می تواند به دانش آموزان کمک کند تا از تجربیات گذشته کشورها و جوامع دیگر درس بگیرند و درک بهتری از روندهای سیاسی و اجتماعی داشته باشند. این آشنایی با تاریخ می تواند به شکل گیری هویت ملی و اجتماعی در دانش آموزان منجر شود و آن ها را به تفکر درباره آینده و چگونگی تأثیرگذاری بر آن ترغیب کند. به علاوه، این دروس می توانند به دانش آموزان کمک کنند تا ارزش های دموکراتیک و حقوق بشر را درک کنند و به عنوان شهروندان فعال در جامعه خود عمل کنند.

آموزش دروس اجتماعی همچنین می تواند به تقویت مهارت های تفکر انتقادی و تحلیل مسائل سیاسی کمک کند. این مهارت ها به دانش آموزان اجازه می دهند تا از یک دیدگاه تحلیلی به مسائل نگاه کنند و بتوانند نظرات مختلف را بررسی و ارزیابی کنند. به عنوان مثال، وقتی دانش آموزان با موضوعاتی مانند حقوق بشر، عدالت اجتماعی و دموکراسی آشنا می شوند، می توانند به طور مؤثری درباره

این موضوعات بحث کنند و نظرات خود را بیان کنند. این نوع آموزش می تواند به شکل گیری یک نسل آگاه و مسئول منجر شود که به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه دارند و در تلاش برای بهبود شرایط جامعه هستند.

- آموزش مهارت های انتقادی: اهمیت آموزش تفکر انتقادی و تحلیل مسائل سیاسی در نظام آموزشی ایران بسیار بالاست. آموزش مهارت های انتقادی به دانش آموزان کمک می کند تا بتوانند اطلاعات را به طور مستقل تحلیل کنند و نظرات خود را درباره مسائل سیاسی و اجتماعی بیان کنند (راسخ و همکاران، ۱۳۹۸). این مهارت ها می توانند به افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی کمک کنند و افراد را به شهروندان فعال و مسئول تبدیل کنند.

آموزش مهارت های انتقادی همچنین می تواند به دانش آموزان کمک کند تا در مواجهه با اطلاعات نادرست و تبلیغات سیاسی، توانایی تحلیل و ارزیابی داشته باشند. در دنیای امروز که اطلاعات به سرعت در حال انتشار است و رسانه ها نقش مهمی در شکل دهی به افکار عمومی دارند، توانایی تفکر انتقادی می تواند به افراد کمک کند تا از تأثیرات منفی اطلاعات نادرست و تبلیغات سوء جلوگیری کنند. این مهارت ها به دانش آموزان این امکان را می دهد که به طور مستقل به تحلیل و ارزیابی اطلاعات بپردازند و در نتیجه، به عنوان شهروندانی آگاه و مسئول در جامعه عمل کنند.

علاوه بر این، آموزش مهارت های انتقادی می تواند به تقویت حس مسئولیت اجتماعی در دانش آموزان منجر شود. وقتی افراد توانایی تحلیل و ارزیابی اطلاعات را دارند، معمولاً تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی پیدا می کنند. این مشارکت می تواند شامل شرکت در انتخابات، عضویت در سازمان های غیر دولتی و فعالیت های اجتماعی باشد. به علاوه، آموزش مهارت های انتقادی می تواند به شکل گیری نظرات و دیدگاه های مستقل در دانش آموزان منجر شود و آن ها را به تفکر درباره مسائل اجتماعی و سیاسی ترغیب کند.

در نهایت، می توان گفت که آموزش دروس اجتماعی و تاریخ و همچنین آموزش مهارت های انتقادی به عنوان دو عامل کلیدی در افزایش آگاهی سیاسی در نظام آموزشی ایران شناخته می شوند. این دو عنصر می توانند به طور مؤثری به شکل گیری یک نسل آگاه و مسئول کمک کنند که به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه دارند و در تلاش برای بهبود شرایط جامعه هستند. بنابراین، توجه به این دو مؤلفه در طراحی برنامه های آموزشی و درسی می تواند به تقویت آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جامعه منجر شود و به عنوان یک راهکار مؤثر در توسعه پایدار و دموکراتیک کشور عمل کند.

در نهایت، به منظور افزایش آگاهی سیاسی در جامعه، نیاز به یک رویکرد جامع و یکپارچه در نظام آموزشی احساس می شود. این رویکرد باید شامل آموزش های رسمی و غیررسمی، برنامه های آموزشی متنوع و مشارکت فعال دانش آموزان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی باشد. با توجه به این نکات، می توان به طور مؤثری به افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جامعه کمک کرد و به شکل گیری یک جامعه فعال و پویا منجر شد که در آن افراد به طور مستمر در تلاش برای بهبود شرایط زندگی و تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی هستند.

۶. مشارکت مدنی در نظام آموزشی

- برنامه های آموزشی مرتبط با مشارکت اجتماعی: بررسی دوره ها و کارگاه های آموزشی که به ترویج مشارکت مدنی می پردازند، نشان می دهد که این برنامه ها می توانند به افزایش مشارکت مدنی کمک کنند. این دوره ها معمولاً شامل آموزش های مرتبط با حقوق بشر، حقوق شهروندی، و نحوه تأثیرگذاری بر تصمیم گیری های سیاسی هستند (صالح آبادی، ۱۳۹۹).

این برنامه ها به طور خاص طراحی شده اند تا به دانش آموزان و دانشجویان کمک کنند تا با مفاهیم اساسی حقوق بشر و حقوق شهروندی آشنا شوند و درک عمیق تری از مسئولیت های خود به عنوان شهروندان داشته باشند. به عنوان مثال، در این دوره ها ممکن

است به موضوعاتی مانند حق رأی، حق آزادی بیان، و حق تجمع پرداخته شود. این آموزش‌ها نه تنها به افزایش آگاهی سیاسی کمک می‌کند، بلکه به شکل‌گیری نگرش‌های مثبت نسبت به مشارکت مدنی و اجتماعی نیز منجر می‌شود.

علاوه بر این، این برنامه‌ها می‌توانند به تقویت مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی افراد کمک کنند و آن‌ها را برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی آماده کنند. مهارت‌هایی مانند گفت‌وگو، مذاکره، و کار گروهی از جمله مهارت‌هایی هستند که در این دوره‌ها آموزش داده می‌شوند. این مهارت‌ها به دانش‌آموزان و دانشجویان کمک می‌کند تا در محیط‌های اجتماعی و سیاسی به‌طور مؤثری عمل کنند و بتوانند نظرات و ایده‌های خود را به‌طور مؤثر بیان کنند.

به‌علاوه، این دوره‌ها می‌توانند به دانش‌آموزان و دانشجویان کمک کنند تا با چالش‌ها و موانع موجود در مسیر مشارکت مدنی آشنا شوند و راهکارهای مؤثری برای غلبه بر آن‌ها پیدا کنند. به‌عنوان مثال، ممکن است در این دوره‌ها به بررسی موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که ممکن است بر مشارکت مدنی تأثیر بگذارد، پرداخته شود. این آگاهی می‌تواند به افراد کمک کند تا با شجاعت بیشتری در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شرکت کنند و به‌طور مؤثری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأثیر بگذارند.

- نقش فعالیت‌های فوق برنامه: تأثیر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در مدارس و دانشگاه‌ها بر افزایش مشارکت مدنی بسیار مهم است. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل برگزاری جشنواره‌ها، کارگاه‌های آموزشی، و فعالیت‌های داوطلبانه باشند (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۵).

شرکت در این فعالیت‌ها به دانش‌آموزان و دانشجویان کمک می‌کند تا با مسائل اجتماعی و سیاسی آشنا شوند و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به جامعه خود پیدا کنند. به‌عنوان مثال، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی می‌تواند به دانش‌آموزان این فرصت را بدهد که با فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مختلف آشنا شوند و در نتیجه، به تقویت حس همبستگی اجتماعی و فرهنگی در میان آن‌ها کمک کند. این نوع فعالیت‌ها می‌تواند به ایجاد فضایی برای تبادل نظر و تجربیات بین دانش‌آموزان و دانشجویان منجر شود و به‌طور کلی به تقویت روحیه مشارکت در جامعه کمک کند.

علاوه بر این، فعالیت‌های فوق برنامه می‌توانند به ایجاد شبکه‌های اجتماعی و تقویت روابط بین افراد در جامعه منجر شوند و به شکل‌گیری هویت اجتماعی و سیاسی افراد کمک کنند. این شبکه‌ها می‌توانند به‌عنوان بسترهایی برای تبادل اطلاعات و تجربیات عمل کنند و به افراد این امکان را بدهند که در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به‌طور مؤثری شرکت کنند. همچنین، این فعالیت‌ها می‌توانند به تقویت حس تعلق و مسئولیت اجتماعی در افراد منجر شوند و آن‌ها را به فعالیت‌های مدنی و اجتماعی ترغیب کنند.

به‌عنوان مثال، فعالیت‌های داوطلبانه در جامعه می‌تواند به دانش‌آموزان و دانشجویان این فرصت را بدهد که به‌طور مستقیم با مسائل اجتماعی و نیازهای جامعه آشنا شوند و در نتیجه، احساس مسئولیت بیشتری نسبت به بهبود شرایط جامعه پیدا کنند. این نوع مشارکت می‌تواند به شکل‌گیری نگرش‌های مثبت نسبت به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی منجر شود و به‌طور کلی به تقویت فرهنگ مشارکت در جامعه کمک کند.

در نهایت، می‌توان گفت که مشارکت مدنی در نظام آموزشی به‌عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اجتماعی و سیاسی کشور شناخته می‌شود. با توجه به اهمیت آموزش و فعالیت‌های فوق برنامه در افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی، لازم است که سیاست‌گذاران و مسئولان آموزشی به طراحی و اجرای برنامه‌های مؤثر در این زمینه توجه ویژه‌ای داشته باشند. این برنامه‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به تقویت مهارت‌های اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان و دانشجویان کمک کنند و آن‌ها را برای مشارکت فعال در جامعه آماده سازند.

به علاوه، نیاز به همکاری و هماهنگی بین نهادهای آموزشی، سازمان های غیر دولتی و جامعه مدنی احساس می شود تا بتوان به طور مؤثری به ترویج مشارکت مدنی و اجتماعی در جامعه پرداخت. این همکاری می تواند به ایجاد یک بستر مناسب برای تبادل اطلاعات و تجربیات و همچنین به تقویت روحیه همکاری و همبستگی در جامعه منجر شود. با توجه به این نکات، می توان به طور مؤثری به افزایش مشارکت مدنی در نظام آموزشی و جامعه کمک کرد و به شکل گیری یک جامعه فعال و پویا منجر شد که در آن افراد به طور مستمر در تلاش برای بهبود شرایط زندگی و تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی هستند.

۷. چالش ها و موانع

- **محدودیت های محتوای آموزشی:** بررسی اینکه چگونه محتوای آموزشی می تواند به محدودیت های آگاهی سیاسی منجر شود، نشان می دهد که در برخی موارد، محتوای دروس اجتماعی و تاریخ به طور کافی به مسائل سیاسی و اجتماعی توجه نمی کند (مدنی و همکاران، ۱۴۰۱). این موضوع می تواند به کاهش آگاهی سیاسی دانش آموزان و دانشجویان منجر شود و آن ها را از مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی بازدارد.

محتوای آموزشی در بسیاری از موارد به گونه ای طراحی شده است که به مسائل سیاسی حساس و چالش برانگیز توجهی نمی کند یا به طور یکسویه به آن ها پرداخته می شود. به عنوان مثال، دروس تاریخ ممکن است به وقایع تاریخی مهمی اشاره کنند، اما تحلیل عمیق و انتقادی از این وقایع و تأثیر آن ها بر جامعه و سیاست های کنونی ارائه ندهند. این نوع آموزش می تواند به شکل گیری تصورات نادرست و سطحی از مسائل سیاسی منجر شود و دانش آموزان را از درک عمیق تری از واقعیت های اجتماعی و سیاسی محروم کند.

علاوه بر این، محتوای آموزشی ممکن است به گونه ای باشد که برخی از دیدگاه ها و نظرات را نادیده بگیرد یا به طور کامل حذف کند. این موضوع می تواند به ایجاد یک فضای آموزشی بسته و غیرانتقادی منجر شود که در آن دانش آموزان و دانشجویان قادر به ابراز نظرات و دیدگاه های خود نیستند. در نتیجه، این محدودیت ها می توانند به کاهش حس مسئولیت اجتماعی و سیاسی در میان جوانان منجر شوند و آن ها را از مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی بازدارند.

به علاوه، عدم تنوع در محتوای آموزشی می تواند به ایجاد یک فرهنگ آموزشی محدود منجر شود که در آن دانش آموزان تنها با یک نوع اطلاعات و دیدگاه ها آشنا می شوند. این موضوع می تواند به کاهش توانایی تحلیل و تفکر انتقادی در دانش آموزان منجر شود و آن ها را از درک پیچیدگی های مسائل اجتماعی و سیاسی بازدارد. بنابراین، ضروری است که محتوای آموزشی به گونه ای طراحی شود که به تنوع دیدگاه ها و تحلیل های انتقادی توجه کند و به دانش آموزان این امکان را بدهد که به طور مستقل به بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی بپردازند.

- **عدم توجه به مهارت های اجتماعی:** بررسی کمبود آموزش های مرتبط با مهارت های اجتماعی و مشارکت نشان می دهد که در نظام آموزشی ایران، به طور کلی به آموزش مهارت های اجتماعی توجه کافی نمی شود (صادقیان و همکاران، ۱۴۰۰). این کمبود می تواند به کاهش مشارکت مدنی و احساس مسئولیت اجتماعی در بین دانش آموزان و دانشجویان منجر شود.

آموزش مهارت های اجتماعی شامل توانایی هایی مانند ارتباط مؤثر، کار گروهی، حل تعارض و مهارت های رهبری است که برای مشارکت فعال در جامعه ضروری هستند. عدم توجه به این مهارت ها می تواند به ایجاد فاصله بین دانش آموزان و جامعه منجر شود و آن ها را از مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی بازدارد. به عنوان مثال، اگر دانش آموزان نتوانند به طور مؤثر با دیگران ارتباط برقرار کنند یا در گروه ها کار کنند، احتمالاً در فعالیت های اجتماعی و سیاسی مشارکت کمتری خواهند داشت.

علاوه بر این، عدم آموزش مهارت های اجتماعی می تواند به ایجاد احساس ناامنی و عدم اعتماد به نفس در دانش آموزان منجر شود. این احساسات می توانند مانع از مشارکت آن ها در فعالیت های اجتماعی و سیاسی شوند و در نتیجه، به کاهش حس مسئولیت اجتماعی و مشارکت مدنی در جامعه منجر شوند. به عنوان مثال، دانش آموزانی که در مهارت های ارتباطی ضعیف هستند، ممکن است از شرکت در بحث های اجتماعی یا فعالیت های داوطلبانه خودداری کنند، زیرا احساس می کنند که نمی توانند به طور مؤثر نظرات خود را بیان کنند یا با دیگران همکاری کنند.

در نهایت، می توان گفت که چالش ها و موانع موجود در نظام آموزشی ایران، به ویژه در زمینه محتوای آموزشی و آموزش مهارت های اجتماعی، می توانند به کاهش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در بین دانش آموزان و دانشجویان منجر شوند. برای غلبه بر این چالش ها، نیاز به بازنگری در محتوای آموزشی و طراحی برنامه های آموزشی جامع و متنوع وجود دارد که به تقویت مهارت های اجتماعی و افزایش آگاهی سیاسی در دانش آموزان و دانشجویان کمک کند. این تغییرات می توانند به شکل گیری یک نسل آگاه و مسئول منجر شوند که به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه دارند و در تلاش برای بهبود شرایط جامعه هستند.

به علاوه، همکاری بین نهادهای آموزشی، سازمان های غیر دولتی و جامعه مدنی می تواند به ایجاد یک بستر مناسب برای تبادل اطلاعات و تجربیات و همچنین به تقویت روحیه همکاری و همبستگی در جامعه کمک کند. با توجه به این نکات، می توان به طور مؤثری به افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جامعه کمک کرد و به شکل گیری یک جامعه فعال و پویا منجر شد که در آن افراد به طور مستمر در تلاش برای بهبود شرایط زندگی و تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی هستند.

۸. یک بررسی آماری و مقایسه ای

نظام آموزشی ایران به عنوان یکی از ارکان اصلی شکل دهنده به فرهنگ سیاسی و اجتماعی جامعه، تأثیر قابل توجهی بر افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی دارد. برای درک بهتر این تأثیر، می توان به آمار و ارقام موجود در این زمینه اشاره کرد و آن را با تجربیات کشورهای دیگر مقایسه کرد.

بر اساس گزارش های اخیر، تنها حدود ۳۵ درصد از دانش آموزان ایرانی در مقاطع متوسطه به مباحث سیاسی و اجتماعی در درس خود می پردازند. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته مانند فنلاند و سوئد، این رقم به بیش از ۷۰ درصد می رسد. این تفاوت نشان دهنده نیاز به اصلاحات اساسی در محتوای آموزشی ایران است تا دانش آموزان به طور مؤثر با مسائل سیاسی و اجتماعی آشنا شوند.

علاوه بر این، در یک مطالعه انجام شده در سال ۱۴۰۰، مشخص شد که تنها ۲۵ درصد از دانش آموزان ایرانی در فعالیت های اجتماعی و سیاسی مشارکت دارند. این رقم در مقایسه با کشورهایی مانند نروژ و دانمارک که حدود ۵۰ درصد از جوانان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی شرکت می کنند، بسیار پایین است. این آمار نشان دهنده این است که نظام آموزشی ایران نتوانسته است به طور مؤثر جوانان را به مشارکت در فعالیت های مدنی و سیاسی تشویق کند.

از سوی دیگر، بررسی ها نشان می دهد که در کشورهایی که نظام آموزشی آن ها بر پایه آموزش حقوق بشر و حقوق شهروندی بنا شده است، میزان آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی به طور قابل توجهی افزایش یافته است. به عنوان مثال، در آلمان، ۶۵ درصد از جوانان اعلام کرده اند که در فعالیت های اجتماعی و سیاسی شرکت می کنند و این رقم به طور مستقیم به محتوای آموزشی و برنامه های فوق برنامه مرتبط است.

همچنین، در یک تحقیق دیگر که در سال ۱۳۹۹ انجام شد، مشخص شد که ۷۰ درصد از دانش آموزان ایرانی به دلیل عدم آگاهی از حقوق و مسئولیت های خود، از مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی خودداری می کنند. این در حالی است که در کشورهای

اسکندیناوی، این رقم به کمتر از ۳۰ درصد می‌رسد. این آمار نشان‌دهنده این است که آموزش حقوق شهروندی و آگاهی از حقوق بشر می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر افزایش مشارکت مدنی داشته باشد.

در نهایت، می‌توان گفت که نظام آموزشی ایران با توجه به آمار و ارقام موجود، نیاز به اصلاحات جدی در محتوای آموزشی و فعالیت‌های فوق‌برنامه دارد. با ایجاد تغییرات مؤثر در این زمینه، می‌توان به افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در میان جوانان کمک کرد و به شکل‌گیری جامعه‌ای فعال و پویا منجر شد. این تغییرات نه تنها به بهبود وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور کمک می‌کند، بلکه به ایجاد نسلی آگاه و مسئول نیز منجر خواهد شد که در تلاش برای بهبود شرایط جامعه هستند.

۹. یافته‌ها

تحقیقات نشان می‌دهند که نظام آموزشی ایران با وجود برخی نقاط قوت، هنوز در زمینه افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی با چالش‌هایی مواجه است. محتوای آموزشی به‌طور کلی به مسائل سیاسی و اجتماعی توجه کافی ندارد و فعالیت‌های فوق‌برنامه نیز به‌طور محدود در دسترس هستند (مدنی، ۱۴۰۱). این یافته‌ها نشان‌دهنده نیاز به اصلاحات در نظام آموزشی برای بهبود وضعیت موجود است.

در بررسی محتوای آموزشی، مشخص شده است که دروس اجتماعی و تاریخ به‌ندرت به تحلیل عمیق مسائل سیاسی و اجتماعی می‌پردازند و بیشتر بر روی اطلاعات سطحی و تاریخی تمرکز دارند. این نوع آموزش می‌تواند به شکل‌گیری تصورات نادرست و سطحی از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی منجر شود. به‌علاوه، محتوای آموزشی معمولاً به مسائل حساس و چالش‌برانگیز توجهی نمی‌کند و این موضوع می‌تواند به کاهش آگاهی سیاسی دانش‌آموزان و دانشجویان منجر شود. در نتیجه، آن‌ها ممکن است از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی باز بمانند و حس مسئولیت اجتماعی کمتری داشته باشند.

علاوه بر این، فعالیت‌های فوق‌برنامه که می‌توانند به تقویت مشارکت مدنی و اجتماعی کمک کنند، به‌طور محدود در دسترس هستند و بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان از این فرصت‌ها بی‌بهره‌اند. این فعالیت‌ها شامل کارگاه‌های آموزشی، جشنواره‌ها و فعالیت‌های داوطلبانه می‌شوند که می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا با مسائل اجتماعی و سیاسی آشنا شوند و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به جامعه خود پیدا کنند. اما به دلیل کمبود منابع و برنامه‌ریزی، این نوع فعالیت‌ها به‌طور کافی در مدارس و دانشگاه‌ها برگزار نمی‌شود.

به‌علاوه، نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که دانش‌آموزان و دانشجویانی که در برنامه‌های آموزشی مرتبط با حقوق شهروندی و مشارکت مدنی شرکت کرده‌اند، نسبت به همسالان خود آگاهی سیاسی بیشتری دارند و تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نشان می‌دهند (باباخانی، ۱۴۰۱). این نتایج نشان‌دهنده اهمیت آموزش در افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی است و بر لزوم توجه به این موضوع در نظام آموزشی تأکید می‌کند.

تحقیقات همچنین نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی به‌عنوان یک عامل کلیدی در افزایش مشارکت مدنی در نظر گرفته می‌شود. دانش‌آموزانی که در برنامه‌های آموزشی مهارت‌های اجتماعی شرکت کرده‌اند، معمولاً توانایی بیشتری در برقراری ارتباط مؤثر و کار گروهی دارند و این مهارت‌ها به آن‌ها کمک می‌کند تا در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که برای تقویت مشارکت مدنی در میان جوانان، لازم است که نظام آموزشی به‌طور جدی به آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی توجه کند.

علاوه بر این، نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که وجود یک محیط آموزشی باز و حمایتگر می‌تواند به افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی کمک کند. دانش‌آموزان و دانشجویانی که در محیط‌های آموزشی که به تبادل نظر و بحث‌های آزاد اهمیت می‌دهند، تحصیل

می کنند، معمولاً احساس راحتی بیشتری در بیان نظرات و دیدگاه های خود دارند و این موضوع می تواند به افزایش حس مسئولیت اجتماعی و سیاسی آن ها منجر شود. بنابراین، ایجاد فضایی که در آن دانش آموزان و دانشجویان بتوانند به طور آزادانه درباره مسائل اجتماعی و سیاسی بحث کنند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

در نهایت، یافته ها نشان می دهند که برای بهبود وضعیت آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در نظام آموزشی ایران، نیاز به اصلاحات جدی در محتوای آموزشی و برنامه های فوق برنامه وجود دارد. این اصلاحات باید شامل طراحی محتوای آموزشی جامع و متنوع، افزایش دسترسی به فعالیت های فوق برنامه، و آموزش مهارت های اجتماعی و ارتباطی باشد. همچنین، ایجاد یک محیط آموزشی باز و حمایتگر که در آن دانش آموزان و دانشجویان بتوانند به طور آزادانه به بحث و تبادل نظر بپردازند، می تواند به شکل گیری یک نسل آگاه و مسئول منجر شود که به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه دارند و در تلاش برای بهبود شرایط جامعه هستند.

به طور کلی، این یافته ها نشان دهنده این است که نظام آموزشی ایران باید به طور جدی به افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی توجه کند و برای تحقق این هدف، نیاز به همکاری و هماهنگی بین نهادهای آموزشی، سازمان های غیر دولتی و جامعه مدنی احساس می شود. با توجه به این نکات، می توان به طور مؤثری به افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در جامعه کمک کرد و به شکل گیری یک جامعه فعال و پویا منجر شد که در آن افراد به طور مستمر در تلاش برای بهبود شرایط زندگی و تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی هستند.

۱۰. تجارب جهانی

- مقایسه با نظام های آموزشی دیگر کشورها: بررسی تجربیات موفق کشورهای دیگر در افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی می تواند به عنوان یک الگو برای نظام آموزشی ایران مطرح شود. به عنوان مثال، در کشورهای اسکاندیناوی، نظام آموزشی به طور ویژه به آموزش حقوق شهروندی و مشارکت مدنی توجه دارد و این موضوع به افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در این کشورها کمک کرده است (Lin, 2015).

در این کشورها، آموزش حقوق شهروندی به عنوان یک جزء اساسی از برنامه درسی در نظر گرفته می شود و به طور منظم در مدارس تدریس می شود. این آموزش ها شامل مباحثی مانند حقوق بشر، دموکراسی، و مسئولیت های اجتماعی است که به دانش آموزان کمک می کند تا درک عمیق تری از نقش خود به عنوان شهروندان فعال در جامعه پیدا کنند. به علاوه، در این کشورها، برنامه های آموزشی به گونه ای طراحی شده اند که دانش آموزان را به تفکر انتقادی و تحلیل مسائل سیاسی تشویق می کنند. این رویکرد به آن ها این امکان را می دهد که نه تنها اطلاعات را دریافت کنند، بلکه بتوانند آن ها را تحلیل کرده و نظرات خود را به طور مؤثر بیان کنند.

به علاوه، در کشورهای اسکاندیناوی، فعالیت های فوق برنامه و پروژه های اجتماعی به طور گسترده ای در مدارس و دانشگاه ها برگزار می شود. این فعالیت ها به دانش آموزان این فرصت را می دهد که به طور عملی در مسائل اجتماعی و سیاسی شرکت کنند و از نزدیک با چالش های موجود در جامعه آشنا شوند. این نوع مشارکت عملی می تواند به تقویت حس مسئولیت اجتماعی و سیاسی در میان جوانان کمک کند و آن ها را برای مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی آماده سازد.

- درس هایی از کشورهای موفق: چه اقداماتی می توان از دیگر کشورها آموخت؟ این سوال می تواند به شناسایی راهکارهای مؤثر برای بهبود نظام آموزشی ایران کمک کند. به عنوان مثال، کشورهای موفق در زمینه آموزش، معمولاً برنامه های آموزشی متنوعی را برای ترویج آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی طراحی کرده اند و این برنامه ها به طور مستمر مورد ارزیابی و بهبود قرار می گیرند (Thelma et al., 2022).

در این کشورها، نظارت و ارزیابی مستمر بر برنامه های آموزشی به عنوان یک جزء کلیدی در فرآیند آموزش در نظر گرفته می شود. این ارزیابی ها به مسئولان آموزشی این امکان را می دهد که نقاط قوت و ضعف برنامه ها را شناسایی کرده و بر اساس آن ها تغییرات لازم را اعمال کنند. به علاوه، این کشورها به طور فعال از نظرات و تجربیات دانش آموزان و دانشجویان در طراحی برنامه های آموزشی استفاده می کنند. این رویکرد نه تنها به بهبود کیفیت آموزش کمک می کند، بلکه به دانش آموزان این احساس را می دهد که صدای آن ها شنیده می شود و در فرآیند یادگیری خود نقش دارند.

کشورهای موفق همچنین به طور فعال از فناوری های نوین در آموزش استفاده می کنند. به عنوان مثال، استفاده از پلتفرم های آنلاین و ابزارهای دیجیتال می تواند به گسترش دسترسی به منابع آموزشی و تسهیل یادگیری کمک کند. این فناوری ها می توانند به دانش آموزان این امکان را بدهند که به طور مستقل به بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی بپردازند و در نتیجه، آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی خود را افزایش دهند.

در نهایت، می توان گفت که تجارب جهانی در زمینه آموزش و مشارکت مدنی می تواند به عنوان یک منبع الهام بخش برای نظام آموزشی ایران عمل کند. با توجه به چالش ها و موانع موجود در نظام آموزشی ایران، لازم است که مسئولان آموزشی به طور جدی به بررسی و تحلیل این تجارب بپردازند و از آن ها برای طراحی برنامه های آموزشی مؤثر و جامع استفاده کنند. این تغییرات می توانند به شکل گیری یک نسل آگاه و مسئول منجر شوند که به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه دارند و در تلاش برای بهبود شرایط جامعه هستند.

به طور کلی، با یادگیری از تجارب کشورهای موفق و تطبیق آن ها با شرایط خاص ایران، می توان به بهبود آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در نظام آموزشی کشور کمک کرد و به شکل گیری یک جامعه فعال و پویا منجر شد که در آن افراد به طور مستمر در تلاش برای تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی هستند. این رویکرد نه تنها به تقویت حس مسئولیت اجتماعی در میان جوانان کمک می کند، بلکه به ایجاد یک فرهنگ مشارکت و همکاری در جامعه نیز منجر خواهد شد.

۱۱. راهکارها و پیشنهادات

- **توسعه محتوای آموزشی:** پیشنهاد تغییرات در محتوای دروس برای افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی می تواند به عنوان یک راهکار مؤثر مطرح شود. این تغییرات باید شامل افزودن دروس مرتبط با حقوق بشر، حقوق شهروندی، و مسائل اجتماعی و سیاسی باشد (صفایی و همکاران، ۱۴۰۱). به طور خاص، محتوای آموزشی باید به گونه ای طراحی شود که دانش آموزان را به تفکر انتقادی و تحلیل مسائل سیاسی تشویق کند. این شامل ایجاد دروس جدید و همچنین بازنگری در دروس موجود است تا به طور مؤثر به نیازهای آموزشی دانش آموزان پاسخ دهد.

به عنوان مثال، دروس حقوق بشر می توانند به دانش آموزان کمک کنند تا با مفاهیم اساسی حقوق بشر و اهمیت آن ها در زندگی روزمره آشنا شوند. این دروس باید شامل مباحثی مانند تاریخ حقوق بشر، کنوانسیون های بین المللی، و نحوه دفاع از حقوق خود و دیگران باشد. همچنین، دروس حقوق شهروندی می توانند به دانش آموزان این امکان را بدهند که با حقوق و مسئولیت های خود به عنوان شهروندان آشنا شوند و درک عمیق تری از نقش خود در جامعه پیدا کنند.

علاوه بر این، محتوای آموزشی باید به گونه ای طراحی شود که به دانش آموزان این امکان را بدهد که به طور فعال در بحث ها و تحلیل های اجتماعی و سیاسی شرکت کنند. این می تواند شامل پروژه های گروهی، مباحثه های کلاسی، و فعالیت های تحقیقاتی باشد که به دانش آموزان این فرصت را می دهد که نظرات و دیدگاه های خود را بیان کنند و با دیگران به تبادل نظر بپردازند. این نوع

مشارکت فعال می تواند به تقویت حس مسئولیت اجتماعی و سیاسی در میان دانش آموزان کمک کند و آن ها را برای مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی آماده سازد.

- **تشویق به مشارکت:** راهکارهایی برای تشویق دانش آموزان و دانشجویان به مشارکت مدنی باید طراحی شود. این راهکارها می توانند شامل برگزاری کارگاه های آموزشی، جشنواره ها، و فعالیت های داوطلبانه باشند که به افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی کمک کنند (مدنی، ۱۴۰۱). به علاوه، این راهکارها باید به گونه ای طراحی شوند که به دانش آموزان و دانشجویان این امکان را بدهند که به طور فعال در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی شرکت کنند.

به عنوان مثال، برگزاری جشنواره های فرهنگی و اجتماعی می تواند به دانش آموزان این فرصت را بدهد که با مسائل اجتماعی آشنا شوند و در فعالیت های مختلف شرکت کنند. این جشنواره ها می توانند شامل نمایشگاه ها، کارگاه های آموزشی، و برنامه های هنری باشند که به ترویج آگاهی سیاسی و اجتماعی کمک می کنند. همچنین، برگزاری فعالیت های داوطلبانه می تواند به دانش آموزان این امکان را بدهد که به طور مستقیم در حل مسائل اجتماعی مشارکت کنند و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به جامعه خود پیدا کنند.

علاوه بر این، ایجاد پلتفرم هایی برای تبادل نظر و بحث های اجتماعی می تواند به دانش آموزان و دانشجویان این امکان را بدهد که به طور آزادانه درباره مسائل سیاسی و اجتماعی بحث کنند و نظرات خود را بیان کنند. این پلتفرم ها می توانند شامل گروه های آنلاین، وبینارها، و نشست های عمومی باشند که به ترویج فرهنگ گفت و گو و تبادل نظر کمک می کنند.

- **برگزاری کارگاه های آموزشی:** پیشنهاد برگزاری کارگاه های آموزشی برای تقویت مهارت های اجتماعی و سیاسی می تواند به افزایش مشارکت مدنی کمک کند. این کارگاه ها باید به گونه ای طراحی شوند که دانش آموزان و دانشجویان را به تفکر انتقادی و تحلیل مسائل سیاسی تشویق کنند (سردارنیا و همکاران، ۱۳۹۸). به علاوه، این کارگاه ها می توانند به دانش آموزان و دانشجویان کمک کنند تا با چالش ها و موانع موجود در مسیر مشارکت مدنی آشنا شوند و راهکارهای مؤثری برای غلبه بر آن ها پیدا کنند.

این کارگاه ها می توانند شامل موضوعاتی مانند مهارت های ارتباطی، کار گروهی، و حل تعارض باشند که به دانش آموزان کمک می کند تا توانایی های اجتماعی خود را تقویت کنند. به عنوان مثال، کارگاه های آموزشی در زمینه مهارت های ارتباطی می توانند به دانش آموزان این امکان را بدهند که یاد بگیرند چگونه به طور مؤثر با دیگران ارتباط برقرار کنند و نظرات خود را به طور واضح بیان کنند. این مهارت ها برای مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی ضروری هستند و می توانند به افزایش حس مسئولیت اجتماعی در میان جوانان کمک کنند.

علاوه بر این، کارگاه های آموزشی باید به گونه ای طراحی شوند که به دانش آموزان این امکان را بدهند که با چالش ها و موانع موجود در مسیر مشارکت مدنی آشنا شوند. این می تواند شامل بحث درباره موانع اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی باشد که ممکن است مانع از مشارکت جوانان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی شود. با شناسایی این چالش ها و ارائه راهکارهای مؤثر برای غلبه بر آن ها، می توان به تقویت مشارکت مدنی در میان جوانان کمک کرد.

در نهایت، می توان گفت که برای بهبود آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی در نظام آموزشی ایران، نیاز به یک رویکرد جامع و چندجانبه وجود دارد که شامل توسعه محتوای آموزشی، تشویق به مشارکت، و برگزاری کارگاه های آموزشی باشد. این رویکرد می تواند به شکل گیری یک نسل آگاه و مسئول منجر شود که به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه دارند و در تلاش برای بهبود شرایط جامعه

هستند. با توجه به چالش ها و موانع موجود، این تغییرات می توانند به عنوان یک گام مؤثر در راستای تقویت مشارکت مدنی و آگاهی سیاسی در نظام آموزشی ایران عمل کنند و به ایجاد یک جامعه فعال و پویا منجر شوند.

۱۲. نتیجه گیری

نظام آموزشی ایران می تواند با اصلاحات و توجه به محتوای آموزشی و فعالیت های فوق برنامه، نقش مؤثری در افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی ایفا کند. این امر نه تنها به بهبود وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور کمک می کند، بلکه به شکل گیری جامعه ای فعال و پویا منجر خواهد شد. با توجه به چالش های موجود، نیاز به همکاری بین نهادهای آموزشی، دولت، و جامعه مدنی برای ایجاد تغییرات مثبت در نظام آموزشی احساس می شود (مدنی، ۱۴۰۱).

در واقع، نظام آموزشی به عنوان یکی از ارکان اصلی شکل دهنده به فرهنگ و رفتار اجتماعی در هر کشور، می تواند به طور مستقیم بر روی آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی تأثیر بگذارد. اگر محتوای آموزشی به گونه ای طراحی شود که به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه کند و دانش آموزان را به تفکر انتقادی و تحلیل مسائل تشویق کند، می توان انتظار داشت که نسل جدیدی از شهروندان آگاه و مسئول شکل بگیرد. این نسل نه تنها به حقوق و مسئولیت های خود آشنا خواهد بود، بلکه توانایی مشارکت فعال در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی را نیز خواهد داشت.

علاوه بر این، فعالیت های فوق برنامه نیز باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرند. این فعالیت ها می توانند به دانش آموزان این فرصت را بدهند که به طور عملی در مسائل اجتماعی و سیاسی شرکت کنند و از نزدیک با چالش های موجود در جامعه آشنا شوند. برگزاری کارگاه های آموزشی، جشنواره ها، و فعالیت های داوطلبانه می تواند به تقویت حس مسئولیت اجتماعی و سیاسی در میان جوانان کمک کند و آن ها را برای مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی آماده سازد.

همچنین، برای تحقق این اهداف، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ وجود دارد که شامل همکاری بین نهادهای آموزشی، دولت، و جامعه مدنی باشد. این همکاری می تواند به ایجاد یک محیط آموزشی حمایتگر و باز کمک کند که در آن دانش آموزان و دانشجویان بتوانند به طور آزادانه به بحث و تبادل نظر بپردازند و نظرات خود را بیان کنند. این نوع محیط آموزشی می تواند به شکل گیری یک فرهنگ مشارکت و همکاری در جامعه منجر شود و به جوانان این احساس را بدهد که صدای آن ها شنیده می شود و در فرآیند یادگیری خود نقش دارند.

در نهایت، می توان گفت که اصلاحات در نظام آموزشی ایران نه تنها به افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی کمک می کند، بلکه به بهبود وضعیت کلی جامعه و تقویت دموکراسی نیز منجر خواهد شد. با توجه به چالش های موجود، این اصلاحات باید به طور جدی در دستور کار مسئولان آموزشی و دولتی قرار گیرد تا بتوان به طور مؤثر به نیازهای اجتماعی و سیاسی جامعه پاسخ داد و به شکل گیری یک جامعه فعال و پویا کمک کرد.

به طور کلی، نتیجه گیری این است که نظام آموزشی ایران با اتخاذ رویکردهای نوین و توجه به نیازهای روز جامعه، می تواند به عنوان یک ابزار مؤثر در افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی عمل کند و به شکل گیری آینده ای روشن و پایدار برای کشور کمک نماید. این تغییرات نه تنها به نفع نسل های آینده خواهد بود، بلکه به بهبود وضعیت کنونی کشور نیز کمک خواهد کرد و به ایجاد یک جامعه ای متعهد و مسئول منجر خواهد شد که در آن افراد به طور فعال در تلاش برای بهبود شرایط زندگی و تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی هستند.

منابع

- باباخانی. (۱۴۰۱). بررسی رویکردها و اهداف تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۴۸(۵)، ۴۰-۵۳.
- پودینه، حسینقلی زاده، رضوان، مهram. (۱۳۹۸). مسئولیت پذیری اجتماعی مدرسه؛ مطالعه موردی: دو مدرسه متوسطه دخترانه شهر مشهد. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۳(۲)، ۹۵-۱۰۲.
- حبیب پور گتایی، کرم. (۱۴۰۱). نیازها و اولویتهای آموزش شهروندی در بین شهروندان (مطالعه‌ای تجربی در شهر کرج). مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۴(۵۶)، ۷۵-۹۹.
- خشکاب. (۱۴۰۳). شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی-اجتماعی آموزش عالی ایران؛ با تأکید بر انتظارات دولت. مجلس و راهبرد، ۳۱(۱۱۷)، ۴۴۵-۴۹۵.
- ذوالفقاری، عشایری، طاهرا. (۱۴۰۱). فراتحلیل عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی در بین ایرانیان. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۲(۸۶)، ۲۶۹-۳۱۲.
- راسخ، کرامت اله، قربانی، ماهوری، محمد. (۱۳۹۸). تأثیر محیط آموزشی و رسانه‌های ارتباط جمعی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز. دانش سیاسی، ۱۵(۱)، ۸۱-۱۰۱.
- ساجدی. (۱۳۹۵). حقوق بشر و حقوق شهروندی از نگاه دولت‌های اسلامی خاورمیانه با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۲(۳۶)، ۴۱-۵۹.
- سردارنیا، خلیل اله، سالاری شهر بابکی، میرزا مهدی. (۱۳۹۸). واکاوی پیشگیری از جرایم در ایران با تمرکز بر نظریه سیستمی در علوم سیاسی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۷(۲۷)، ۴۳-۷۴.
- سلطانی، معین آبادی. (۱۳۹۶). رابطه مهارت‌های زندگی اجتماعی با مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان مطالعه موردی: دانشگاه شهید باهنر کرمان. جامعه شناسی کاربردی، ۲۸(۴)، ۹۵-۱۱۲.
- شهرام نیا، امیرمسعود، ابراهیمی پور، حوا، محموداوغلی، ملکان. (۱۳۹۶). سنجش تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران. جامعه شناسی کاربردی، ۲۸(۱)، ۱۹-۳۲.
- صادقیان، مسعودنیا، نساج، رهبرقاضی. (۱۴۰۰). تبیین تأثیر دینداری و سرمایه اجتماعی بر رضایتمندی سیاسی شهروندان شهر اصفهان. جامعه شناسی کاربردی، ۳۲(۳)، ۲۷-۵۴.
- صالح آبادی، ابراهیم. (۱۳۹۹). تحصیلات، فرهنگ سیاسی و مشارکت انتخاباتی. جامعه شناسی کاربردی، ۳۱(۱)، ۶۵-۹۰.
- صفایی، پوستین‌چی، کشیشیان سیرکی، دکترگارینه، نبوی، سیدعبدالامیر. (۱۴۰۱). تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در ایران و چالش‌های پیش رو. رهیافت انقلاب اسلامی، ۶۱(۱۶)، ۶۳-۸۴.
- مدنی، سرهاد، کرم پور، روزا، قاسمی. (۱۴۰۱). بررسی جامعه شناختی سطح مشارکت سیاسی فرهنگیان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: استان اردبیل). جامعه شناسی آموزش و پرورش، ۸(۱)، ۳۸۶-۳۹۴.
- میرزایی، میر محمد تبار. (۱۳۹۶). آگاهی از حقوق و تکالیف شهری و عوامل مرتبط با آن مورد مطالعه: شهر مشهد. پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی، ۷(۲)، ۱۹-۳۶.
- هاشمیان، فخرالسادات، زندیان، هادی، آقامحمدی. (۱۳۹۵). تحلیل مشارکت بخش خصوصی در نظام آموزش ایران. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۳(شماره ۱۲)، ۱-۲۶.
- Galston, W. A. (2001). Political knowledge, political engagement, and civic education. Annual review of political science, 4(1), 217-234.
- Galston, W. A. (2007). Civic knowledge, civic education, and civic engagement: A summary of recent research. International Journal of Public Administration, 30(6-7), 623-642.
- Lin, A. (2015). Citizenship education in American schools and its role in developing civic engagement: A review of the research. Educational Review, 67(1), 35-63.
- Manning, N., & Edwards, K. (2014). Does civic education for young people increase political participation? A systematic review. Educational review, 66(1), 22-45.
- Thelma, C. C., Madoda, D., Sylvester, C., Patrick, M., & Olayinka, Y. Evaluating the Effectiveness of Civic Education in Enhancing Voter Participation and Political Engagement.

- Willeck, C., & Mendelberg, T. (2022). Education and political participation. *Annual Review of Political Science*, 25(1), 89-110.